



تبیین جامعه‌شناختی کج رفتاری‌های اجتماعی زنان

(مورد مطالعه: زنان شهرستان خرم‌آباد)^۱

الهام عباسی^۱، حسین آقاجانی مرساء^{۲*} و علی‌رضا کلدی^۳

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی،

تهران، ایران aeabbasi1355@gmail.com

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران * (نویسنده مسئول)

hos.aghajani@iauctb.ac.ir

۳. استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، ایران arkaldi@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: ایران شرایط گذار در حوزه‌های مختلف را طی می‌کند و در این شرایط رفتارهای ناپه‌نجان مختلفی در جامعه اتفاق می‌افتد که مانع تحقق نظم و ثبات می‌شود. در عصر حاضر رشد کج رفتاری اجتماعی زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور به یکی از علل زمینه ساز مسائل اجتماعی تبدیل شده است. از این رو، هدف پژوهش حاضر، واکاوی کج رفتاری‌های زنان مراجعه‌کننده به اورژانس اجتماعی شهرستان خرم‌آباد است.

روش: پژوهش در چارچوب روش شناسی نظریه زمینه‌ای انجام شد. از مصاحبه نیمه ساختاریافته به عنوان ابزار گردآوری داده استفاده شد. بر اساس اصل اشباع نظری، ۴۰ نفر از زنان مراجعه‌کننده به اورژانس اجتماعی خرم‌آباد، در چارچوب نمونه‌گیری کیفی، در فرایند پژوهش مشارکت نمودند.

یافته‌ها: یافته‌ها دربردارنده‌ی ۱۷ مقوله‌ی اصلی به این شرح است: مشکلات اقتصادی، ضعف حمایت اجتماعی، بی‌سوادی، شبکه شغلی، وسایل جدید ارتباطی، ضعف حمایت خانوادگی، دوستان ناباب، شهری شدن سرمایه، دوگانگی ارزشی، احساس تنهایی، حاشیه‌نشینی، شیوه جدید زندگی، راهی از ارزش‌های اخلاقی، احساس گناه، تقدیرگرایی، بی‌اعتمادی و ضعف آینده‌نگری.

نتایج: مقوله‌ی نهایی و انتخابی در این بررسی «بازاندیشی در زیست اجتماعی زنان» است که سایر مقولات اصلی را در بر می‌گیرد. نظریه‌ی زمینه‌ای به‌دست‌آمده در قالب یک مدل پارادایمی شامل سه بعد شرایط، تعاملات / فرایندها و پیامدها ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: زنان، کج رفتاری‌های اجتماعی، بازاندیشی، زیست اجتماعی، اورژانس اجتماعی.

◀ **استناد (به شیوه APA ویرایش ۶):** عباسی، الهام؛ آقاجانی مرساء، حسین؛ کلدی، علی‌رضا (پاییز و زمستان ۱۳۹۸). تبیین جامعه‌شناختی کج رفتاری‌های اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان شهرستان خرم‌آباد). *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۷(۲)، ۱۵۳-۱۷۵.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری الهام عباسی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی کج رفتاری‌های اجتماعی شهرستان خرم‌آباد (مورد مطالعه: اورژانس اجتماعی خرم‌آباد)» در رشته جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است که ویژگی خاص آن گرایش به زندگی گروهی، پیوستگی روابط اجتماعی و احساس تعهدات متقابل است. زندگی اجتماعی و تعهدات به آن در طول زمان و در مکان‌های خاص به وجود می‌آید؛ از این‌رو، ارزش‌ها و هنجارها، پایه و اساس زندگی اجتماعی است (ستوده ۱۳۸۶، ص ۳۱). کجروی اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی جامعه، محل فعالیت افراد قرار نمی‌گیرد و دارای منع قانونی و قبح اخلاقی و اجتماعی است (نصیری، ۱۳۸۱، ص ۲۲۳)؛ به عبارت دیگر، اعمال و رفتارهای مختلفی که با قوانین و هنجارهای حاکم بر یک جامعه در تضاد است. دیگر ویژگی کجروی آن است که مفهوم نسبی دارد؛ یعنی، کج رفتاری با توجه به تغییر و تحولات جامعه در طول زمان و یا تغییرات فرهنگی از یک جامعه به جامعه دیگر و حتی تغییرات رفتاری از یک گروه نسبت به گروه دیگر متفاوت است.

افزایش ابزارهای ارتباطی مانند اینترنت و تلفن همراه، زمینه ارتباط گسترده را فراهم می‌کند (عبدالرحمانی، حسین‌پور و بشیری، ۱۳۹۷، ص ۴۸)؛ همچنین گسترش فیزیکی، اجتماعی شهرها و تبدیل آن‌ها به مراکز ناهمگون جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی، تنوع و تعداد کجروی‌های شهری به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸). ایران نیز در سال‌های اخیر، به‌دلایل مختلف، شاهد تغییرات هنجارهای اجتماعی بوده است؛ به‌طوری که، از بین رفتن هنجارهای غیررسمی، باعث شده است زندگی سنتی کمرنگ شود، روزمرگی و یکنواخت فعالیت‌ها جریان یابد و رضایت فرد از زندگی دچار چالش شود. از طرف دیگر، نهادهای جایگزینی نیز برای بازساخت هنجارها و ترمیم روابط متقابل اجتماعی در موقعیت جدید جامعه ایجاد نشده است. این وضعیت سبب پدید آمدن مسائل و مشکلاتی چون افزایش جرم و جنایت، فقر، بزهکاری و به‌طور کلی، آسیب‌های مختلف اجتماعی شده و وضعیت بحرانی خاصی برای جامعه ایجاد کرده است.

در این راستا، کجروی اجتماعی صرف‌نظر از تنوع و میزان بالای انحرافات در جوامع گوناگون، گسترش آن در میان اقشار و گروه‌های مختلف، توجه آسیب‌شناسان اجتماعی را به خود جلب کرده است. زنان و دختران جوان یکی از گروه‌های اجتماعی هستند که در چند سال اخیر، میزان کج رفتاری‌های اجتماعی در بین آن‌ها به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است (دجی دنو^۱ و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۱۳۶). زنان و دختران به‌عنوان نیمی از جامعه به دلیل آن‌که پرورش‌دهنده اولیه و اساسی نسل آینده کشور هستند کجروی رفتاری آنان چه به صورت قانونی تعریف شده و چه به صورت عرفی نفی شده باشد (مرعشیان و کشفی ۱۳۹۵، ص ۹۲)، بدون شک بر ساختار جامعه و نسل آینده تأثیر منفی به جای خواهد گذاشت. کج رفتاری‌های زنانه نه تنها به خود فرد

بلکه یک خانواده و یک نسل را تهدید می‌کند. زنان کج‌رو با ارتکاب جرائم مختلف مانند تن فروشی، قوادی و غیره زمینه‌ساز مشکلاتی چون بی‌قید و بند بودن روابط جنسی، کاهش مسئولیت اجتماعی، پایین آمدن سطح اخلاقی جامعه می‌شوند.

کج‌رفتاری‌های زنان در اکثر مناطق ایران مشاهده می‌شود؛ اما در بعضی مناطق به دلایل مختلف شدت آن بیشتر است. به نظر رسد در شهر خرم‌آباد رواج عناصر فرهنگ مدرن سبب ایجاد تضاد میان ارزش‌های سنتی و ارزش‌های جدید شده است؛ این مساله زمینه‌گسست ارزشی و هنجاری شده است. به لحاظ ساختاری، بافت شهری خرم‌آباد مبتنی بر نظام ایلی است که مواجهه با دنیای مدرن را تجربه می‌کند. همچنین حضور شهر (محیط اجتماعی) در دوران گذار باعث شده است که فرهنگ شهروندی به‌طور کامل شکل نگیرد؛ یعنی، حقوق شهروندی به آنان آموزش داده نشده است. در چنین شرایطی، افراد درمی‌یابند که فرصت‌ها بسیار محدودند و راه‌های قانونی رسیدن به آن‌ها وجود ندارد یا بسیار محدود است. بنابراین، نسبت به وضعیت موجود واکنش نشان می‌دهند و یکی از این واکنش‌ها به صورت کج‌روی از هنجارهای اصلی جامعه نمایان شده است. با این وجود، می‌توان بخشی از کج‌رفتاری‌های اجتماعی زنان را در چارچوب موقعیت اجتماعی و محیطی، تفاوت نگرشی و نسلی و شرایط ساختاری جوامع به ویژه جامعه در حال تحول و پرفراز و نشیب نگرست و به جای رویارویی با زنان و دختران جوان از موضعی بالاتر یا ایستادن در برابر آن‌ها، با شناخت درست زمینه‌های انحراف و کج‌روی‌شان از طریق انجام پژوهش‌های علمی متنوع، اصلاح کاستی‌ها و برطرف ساختن موانع، نیروی آن‌ها را برای سازندگی جامعه به مشارکت واقعی طلبید. در همین راستا، این پژوهش درصدد است تا به شناخت عمیق انواع کج‌رفتاری‌ها از منظر افراد درگیر در این مسئله بپردازد؛ در حقیقت، در شرایط کنونی شناسایی کج‌رفتاری‌های اجتماعی و علل ارتکاب آن، از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا شیوع روز افزون انواع ناپهنجاری‌ها و کج‌رفتارهای اجتماعی زنگ خطری برای جامعه و نسل بعدی است. از این‌رو سؤال اصلی این پژوهش حول این محور است که زنان و دختران انواع کج‌روی اجتماعی را چگونه درک و فهم می‌کنند و زمینه‌های تحقق آن کدام‌اند؟

ادبیات پژوهش: پیشینه و مبانی نظری

پیشینه پژوهش: در همین‌راستا، مطالعه در زمینه «کج‌رفتاری‌های اجتماعی زنان» را نیز می‌توان در دو سطح مختلف پیگیری کرد؛ کج‌رفتاری‌های اجتماعی چند دهه اخیر در «جهان» و سال‌های اخیر در «ایران». تسوکاسا کاتو^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تفاوت‌های جنسیتی و خیانت جنسی پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که بین رقیب جنسی جذاب و خیانت جنسی بین دو گروه رابطه معناداری وجود دارد، اما

بین نشاط و شادی ناشی خیانت جنسی تفاوت معناداری مشاهده نشد. میلیک و نادا^۱ (۲۰۱۹)، خشونت علیه مردان توسط زنان در هند را بررسی کرده‌اند. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که خشونت عاطفی با ۵۱ درصد بیشترین و خشونت جسمی با ۶ درصد کمترین نوع گزارش شده است. پرخاشگری و خشونت زنان علیه همسران تحت عواملی چون تحصیلات، درآمد و اعتیاد زنان بوده است؛ نتایج پژوهش کنستانتین^۲ و همکارانش (۲۰۱۵)، تفاوت‌های جنسیتی در اقدام به خودکشی را بررسی کرده‌اند که در بین مردان، کمبود بهداشت روانی و جسمانی، احتمال خودکشی مردان را افزایش می‌دهد، اما در زنان، عوامل فردی و اجتماعی می‌تواند بیشتر مؤثر باشد. لوموند و همکاران^۳ (۲۰۱۳) با تأکید بر روابط، خشونت جنسی و ویژگی‌های ساختاری را در زنانی که اقدام به خودکشی کردند را نامناسب توصیف کردند و بالطبع میزان استرس و اضطراب زنان را تا حد زیادی افزایش می‌دهد. در پژوهشی پرویتی و آماتو^۴ (۲۰۱۰) نشان دادند که ناراضی‌تری از زندگی مشترک و فقر عامل اساسی در شکل‌گیری‌های کج رفتاری‌ها مخصوصاً روابط جنسی است در سال ۱۹۶۹، بیش از ۷۵ درصد آمریکاییان، رابطه جنسی پیش از ازدواج را امری مذموم و زشت می‌دانستند؛ اما فقط چند سال بعد، دیدگاه غالب با این‌گونه روابط در آمریکا تغییرات فاحشی پیدا کرد؛ به طوری که در دهه ۱۹۸۰ میلادی، فقط ۳۳ درصد آمریکاییان رابطه جنسی پیش از ازدواج را امری ناپسند می‌دانستند و این در حالی است که در جامعه امروز آمریکا بیشتر جوانان رابطه جنسی پیش از ازدواج را تجربه کرده‌اند. پژوهش الکساند^۵ (۲۰۰۷)، نشان می‌دهد در ترکیه هم، پس از تحولات اقتصادی در چند دهه اخیر، روندهای به نسبت مشابهی از «تغییرات ارزشی» تجربه شده است. به گفته آن‌ها، در گذشته، فرهنگ عمومی ترکیه چنان بود که روابط جنسی پیش از ازدواج، در صورت آشکار شدن، به رسوایی بزرگ تبدیل می‌شد؛ اما، در دو دهه اخیر، این دید منفی در مورد مردان کم‌کم از بین رفته است، در حالی که برای دختران باکره این روابط هم‌چنان تابو است. اگرچه مطالعات اخیر در ترکیه نشان داده است که با تغییر نگرش‌ها به ارزش بکارت دختران هنگام ازدواج، این روابط میان دختران ترک هم، روزبه‌روز، گسترش می‌یابد.

باید این نکته را در نظر داشت که نمی‌توان به‌سادگی این تحولات را به سنت، پیشینه و تاریخ جوامع غربی و سایر جوامع مذکور در بالا نسبت داد و منکر شکل‌گیری این‌گونه کج‌رفتاری‌های مشابه در ایران شد؛ در همین راستا، قادری و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان "اعتیاد زنان؛ شرایط، تعاملات و پیامدها؛ ترسیم مدل پارادایمی" نشان دادند که اعتیاد زنان برآمده از ناپهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی است و کنشی برای فرار از فشارها و مواجهه شدن با انبوهی از عواقب تلخ و دردناک از جمله داغ ننگ و طرد اجتماعی و نگاه حذفی محسوب می‌شود؛ نتایج پژوهش فیروزجاییان و قدیری (۱۳۹۶) نشان داد که رشد فردگرایی و کاهش ارزش‌باورهای مذهبی و برآوردن خواسته‌ها و انتظارات، علل موثری در افزایش تمایل زنان

1. mlík & Nadda

2. Konstantinos

3. Brigitte Lhomond.

4. Amato, P. R. & Previti, D.

به روابط فرا زناشویی هستند. زارع‌شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی شرایط و انگیزه‌های خودکشی در بین زنان شهر آبدانان را بررسی کردند؛ بر پایه‌ی یافته‌های این پژوهش، زنان اقدام به خودکشی را راهی برای رسیدن به خواسته و اهدافشان می‌دانند که در راستای آن سعی دارند به رفتارهای سلطه طلبانه، محدودیت‌ها، تهمت‌ها و بدبینی‌ها واکنش نشان دهند. پژوهش بقائی و حق‌شناس (۱۳۹۵)، در زمینه «تاثیر سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی زنان در مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی»، نشان می‌دهد که به رغم وجود رابطه مستقیم میان برخورداری از سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی میان سرمایه فرهنگی و مواجهه با رفتارهای غیر اخلاقی رابطه‌ای معماگونه برقرار است. به طوری که برخورداری بیشتر از سرمایه اجتماعی بازدارنده مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی و برخورداری بیشتر از سرمایه فرهنگی تسهیل کننده مواجهه زنان با رفتارهای غیر اخلاقی است. میرحسینی، (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی علل ارتکاب جرم زنان پرداخته است که عواملی چون وضعیت اقتصادی، جایگاه اجتماعی، سبک زندگی پرمخاطره، نظام آشفته خانواده، درگیری و سابقه محکومیت همسر در جبروی زنان مؤثر است. معظمی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی عوامل مجدد در ورود به زندان زنان پرداخته است که نتایج نشان داد که متغیرهای تحصیلات، سن، عدم پذیرش در خانواده و عدم پذیرش اجتماعی با تکرار جرائم رابطه معکوسی دارد. جمشیدی‌ها و قلی‌پور (۱۳۸۹)، نقش مدرنیته در خودکشی زنان و دختران لک (غرب کشور) را بررسی نمودند. نتایج نشان داد پس از بلوغ، هنگام تصمیم‌گیری برای زندگی آینده، سعی کردند که بر اساس آموزه‌هایشان عمل کنند. اما با مخالفت شدید نسل‌های گذشته که حامل سنت‌های کهن بودند، روبرو گشتند. کنترل ناشی از سنت‌های قدرتمند و احساس بی‌قدرتی در تعیین سرنوشت سبب شد که تعدادی از زنان و دختران به افراطی‌ترین پناهگاه (خودکشی) در مقابل مصیبت‌های زندگی روی آورند. نتایج پژوهش بنی فاطمه و باقری رئوف (۱۳۸۷) با عنوان عوامل مؤثر بر شدت جرائم زنان مجرم نشان داد که دوستان ناباب، باورهای مذهبی و مشکلات خانوادگی بر جرم و بزهکاری زنان اثرگذارند.

مبانی نظری: در پژوهش کیفی به جای استفاده از چهارچوب نظری جهت تدوین و آزمون فرضیه‌ها، و آزمون تئوری‌های موجود در قالب فرضیه‌های مختلف، پژوهشگر به مطالعه اکتشافی برای دستیابی به یک چهارچوب مفهومی جدید می‌پردازد (ماکسول^۱، ۲۰۰۴، ص ۱۱۸). در این بخش از مقاله به برخی از نظریه‌های مرتبط با موضوع و مساله اساسی پژوهش، یعنی کج رفتاری اجتماعی زنان، پرداخته می‌شود. با توجه به این که مساله پژوهش حاضر بر ساخت اجتماعی دارد، از این رو، از نظریه‌ها مرتبط با این حوزه به‌عنوان راهنمای نظری جهت تفسیر و تبیین بیش‌تر ابعاد مساله مورد مطالعه یا به عبارت دیگر، به عنوان مبنایی برای کمک به کنترل حساسیت نظری^۲ در پژوهش استفاده شده است.

نظریه آنومی دورکیم: آنومی از منظر دورکیم بی‌سازمانی، گسستگی و از هم گسیختگی اجتماعی، اختلال

1. Maxwell

2. Theoretical Sensitivity

و اغتشاش در نظام اجتماعی است. وقتی در مورد پذیرش هنجارهای اجتماعی و اهداف و انتظارات جامعه اتفاق نظر وجود نداشته باشد، بی‌هنجاری یا آنومی شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی هرگاه قواعد و قوانین در یک جامعه کارکرد و کارایی لازم را از دست بدهند آنومی یا بی‌هنجاری افزایش می‌یابد، جامعه از هم گسسته می‌شود، یا فرد بر اثر فقدان هنجارها یا الگوهای رفتاری، دچار سرگشتگی و پریشانی خواهد شد. بنابراین جامعه چارچوب و راهنمای عمل مناسبی ارائه نمی‌دهد و فردگرایی لجام‌گسیخته بر عوامل اجتماعی حاکم می‌شود و ضمانت اجرایی قوی برای مقابله و کنترل وضعیت موجود وجود ندارد (دورکیم، ۱۳۹۳، ص ۲۴۰)؛ در نتیجه، کج رفتاری‌های اجتماعی از قبیل سرقت، قتل، فحشاء، اعتیاد و غیره افزایش می‌یابد.

نظریه فشار آگنیو: به زعم آگنیو^۱ افراد تنها در پی اهداف اجتماعی معین نیستند، بلکه می‌کوشند از موقعیت‌های عذاب‌آور دوری کنند. آن‌گونه که راه‌های مشروع دستیابی به اهداف مسدودند، تلاش‌های صورت گرفته برای اجتناب از درد و رنج هم می‌تواند به بزهکاری منجر شود. نظریه فشار آگنیو، فرض را بر این می‌گیرد که مسدود بودن راه‌های اجتناب از درد و رنج هم به شکل مستقیم و هم به شکل غیر مستقیم از طریق خشم منجر به بزهکاری می‌شود (اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۱۰).

در ضمن فشار ناشی از مسدود بودن راه‌های مشروع، به درد و رنج تبدیل می‌شود در این حالت فرد نمی‌تواند خود را از این فشارها خلاص کند و حتی راه‌های قانونی نیز مسدود می‌باشد. تراکم و فراوانی تجارب فشار، تأثیر آن‌ها را افزایش داده و احتمال این‌که، این تجارب موجب بزهکاری شوند، بالا می‌رود. مطابق نظر آگنیو حالت‌های عاطفی (احساسات) منفی مانند خشم، سرخوردگی، ناامیدی، افسردگی، هراس، و ... از فشار ناشی می‌شوند. از میان این احساسات، خشم نقطه اتصال کلیدی فشار و بزهکاری است. هر کدام از انواع فشار این احتمال را که افراد خشم را تجربه کنند، و خشم احساس آسیب‌دیدگی و مظلوم بودن را افزایش می‌دهد و این احساس تمایلی را در فرد برای انتقام ایجاد کرده، فرد را به عمل واداشته و قدرت عوامل بازدارنده را پایین می‌آورد (اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۵۹).

روش

روش‌شناسی کیفی، مبنای انجام این پژوهش است. از رویکرد برساخت اجتماعی (تفسیرگرایی اجتماعی) در چارچوب نظریه زمینه‌ای برای انجام تحقیق استفاده شد. جامعه مشارکت‌کننده در این پژوهش، زنان مراجعه‌کننده به اورژانس اجتماعی شهرستان خرم‌آباد است که به نوعی دچار آسیب اجتماعی شده‌اند. از ترکیب نمونه‌گیری گلوله برفی^۲ و نظری برای انتخاب افراد مشارکت‌کننده استفاده شد. با مراجعه به مرکز اورژانس خرم‌آباد و کسب مجوز لازم برای دسترسی به پرونده افراد مورد نظر، زمینه ایجاد توافق برای مصاحبه با آن‌ها فراهم شد. بر

1. Agnew

2. Snowball Sampling

همین اساس، با استفاده از ملاک اشباع نظری با ۴۰ نفر به شیوه نیمه ساختاریافته مصاحبه انجام شد. روش اجرای مصاحبه به این صورت بود که پرسش‌هایی با عنوان «راهنمای مصاحبه» طراحی شدند که پاسخ‌های باز و تفسیری داشتند و پاسخ نمونه‌ها، روند آن‌ها را هدایت می‌کردند. سؤالات با تمرکز بر مطالب تحت پوشش، در یک راهنمای مصاحبه آورده شدند. توالی آن‌ها برای شرکت‌کننده متفاوت بود. فرم مصاحبه نیز شامل دو دسته از سؤالات بود: ۱. سؤالات اساسی ۲. سؤالات پیگیری؛ سؤالات اساسی در این پژوهش، دایره وسیع کاوش و سؤالات پیگیری، دایره محدود دانش را شامل می‌شدند. سؤالات اساسی شامل: «چه طور وارد این فضا شدی؟» و سؤالات دیگری چون «تجربه و احساسات را از بودن در این فضا برایم بگو» و سؤالات پیگیری مانند: «می‌توانی برایم یک مثال بزنی» یا «آیا منظور این است... چه گونه ... و ...». در این جا هدف پژوهش‌گر، رسیدن به عمق تجربه پاسخ‌گویان و هم‌چنین، کشف معنایی است که آن‌ها برای اندیشه و رفتارشان قائل هستند.

ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای بر مبنای سه شیوه کدگذاری است: ۱- کدگذاری باز^۱، ۲- کدگذاری محوری^۲ ۳- کدگذاری انتخابی^۳. اولین مرحله، کدگذاری باز است و به فرآیند تحلیلی اطلاق می‌شود که طی آن، مفاهیم اولیه و سپس، مقولات عمده مبتنی بر آن‌ها، شناسایی شده، خصیصه‌ها و ابعادشان در داده‌ها کشف می‌شود. دومین مرحله، کدگذاری محوری است. در واقع، فرآیند اتصال مقوله‌ها به یکدیگر براساس خواص آن‌ها (زیر مقوله‌ها)، کدگذاری «محوری» نامیده می‌شود؛ زیرا کدگذاری در حول کدگذاری مقوله‌ای صورت می‌گیرد که مقوله‌ها را در سطح خصیصه‌ها و ابعاد، به هم مرتبط می‌سازد. سومین مرحله کدگذاری، کدگذاری انتخابی است. این نوع کدگذاری فرآیند یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در جهت خلق نظریه است. یکپارچگی مورد نظر در نتیجه تعامل تحلیل‌گر با داده به وجود می‌آید و یکی از دشوارترین مراحل کار است. محقق باید در داده‌ها غرق شود و به تعمق بپردازد تا بتواند پیوند بین مقوله‌ها را یافته، آن‌ها را پالایش کرده، با هم یکپارچه کند و در نهایت، نظریه را استخراج کند (محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۱۹۱).

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های مشارکت کنندگان: نخست به اختصار به بیان ویژگی‌های مشارکت کنندگان پرداخته می‌شود تا شناخت کلی از وضعیت جمعیت شناختی و اجتماعی-اقتصادی آن‌ها ارایه شود.

جدول ۱. مشخصات زمینه‌های مصاحبه‌شوندگان پژوهش

اشتغال		تحصیلات			سن			
شاغل	بیکار	کارشناسی یا فوق‌لیسانس	دیپلم	زیر دیپلم	بیشتر از ۴۵ سال	۳۱ تا ۴۵ سال	۱۳ تا ۳۰ سال	
۸	۳۲	۴	۱۰	۲۶	۲	۱۳	۲۵	تعداد
محل زندگی		مدت مراجعه به اورژانس			درآمد			
روستا	شهر	بیش از دو هفته	دو هفته	یک هفته	بیشتر از دو میلیون	بین ۱ تا ۲ میلیون	کمتر از ۱ میلیون	
۳۴	۶	۱۳	۱۵	۱۲	۶	۱۸	۱۶	تعداد

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، این محدوده سنی مصاحبه‌شوندگان بین ۱۳ تا ۵۴ سال است که از این میان بیست و پنج نفر ۱۳ تا ۳۰ سال، سیزده نفر ۳۱ تا ۴۵ سال و دو نفر بیشتر از ۴۵ سال سن داشتند. از نظر سطح سواد، ۲۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان دارای سواد یا تحصیلات کمتر از دیپلم، ده نفر دارای تحصیلات دیپلم و چهار نفر نیز دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر بودند. از نظر اشتغال، فقط ۸ نفر از مصاحبه‌شوندگان شاغل و دیگران در حال تحصیل یا خانه‌دار بودند. درآمد خانوار ۱۶ نفر کمتر از یک میلیون، ۱۸ نفر بین ۱ تا ۲ میلیون و شش نفر بالاتر از دو میلیون اظهار شد؛ حداکثر حضور در اورژانس اجتماعی خرم‌آباد دو هفته بوده و ۳۴ نفر از آنان در شهر و فقط شش نفر در روستا زندگی می‌کنند. یازده نفر از مصاحبه‌شوندگان مجرد، ۵ نفر مطلقه و ۲۴ نفر هم متأهل هستند. و مهمترین دلایل مراجعه آن‌ها به اورژانس اجتماعی به ترتیب عبارت است از: ۱- اقدام به خودکشی ۱۶ نفر، ۲- خیانت به همسر یا رابطه نامشروع جنسی ۱۰ نفر، ۳- خشونت خانوادگی ۷ نفر، ۴- فرار از خانه ۴ نفر، و ۵- فروش یا حمل مواد مخدر ۳ نفر.

یافته‌های کیفی - اکتشافی

در بخش مصاحبه، با چهل نفر مصاحبه صورت گرفت و از آن‌جایی که مصاحبه با گویش‌های لری و لکی انجام شده، متن آن‌ها به فارسی برگردانده شد. در این بخش به بررسی زمینه‌های بروز کج رفتاری‌های اجتماعی پرداخته می‌شود. در جدول (۲) به اختصار به هریک از مقوله‌های عمده با ارجاع به درک و دیدگاه افراد مورد مطالعه پرداخته شده و در پایان ارتباط مقوله‌ها با پدیده محوری در قالب یک مدل پارادایمی ترسیم شده است (شکل ۱).



جدول ۲. مقوله‌های استخراج‌شده‌ی عمده‌ی مربوط به درک و تفسیر کج‌رفتاری‌های زنان

ردیف	مقوله‌ها	مفاهیم خام	مقوله نهایی
۱	دوستان ناباب	فشار دوستان برای داشتن این نگرش و ارزش؛ عقب‌نماندن از دوستان	کج‌روی به مثابه بازاندیشی در زیست اجتماعی زنانه: زنان به مواردی مثل روسپیگری، حمل و قاچاق مواد، رابطه جنسی و حتی فرار از محیط را یک سبک جدید در رسیدن به اهداف و خواسته‌ها می‌دانند.
۲	عدم توجه به منطقه (حاشیه‌نشین)	احساس تنفر از خود و محیط، نبود آرامش روانی، عدم امکانات ورزشی و بهداشتی، ناهمگونی جمعیتی، پراکندگی هویت، آلوده بودن فضای زندگی	
۳	نفوذ رسانه‌های جمعی	فیلم‌های جذاب خارجی، شبکه‌های مجازی، اینترنت و...	
۴	احساس گناه	عذاب وجدان، احساس شرمندگی، ترس از بی‌آبرویی	
۵	مشکلات اقتصادی	از دست دادن شغل قبلی، درآمد ناکافی، بیکاری، کسب سود و درآمد بیشتر، بی‌توجهی دولت، کم‌توجهی به اعضای خانواده، کاهش رفاه	
۶	شیوه جدید زندگی	خوش‌گذرانی، رفیق‌بازی و عشق‌بازی، رفتارهای پر خطر و ریسکی، لذت و ماجراجویی، کسب درآمد	
۷	احساس تنهایی	گوشیه‌نشینی، نداشتن دوست و همدم، احساس افسردگی و اضطراب	
۸	دوگانگی ارزشی	بین خیر و شر بودن، عزت و احترام، بهشت و جهنم، درگیری بین مشروع و نامشروع، قرار گرفتن میان حق و ناحق	
۹	شهری شدن سرمایه	پول و امکانات، تبلیغات، فضای بهتر، کار و درآمد بیشتر در شهر، رفاه و مزایای شهر	
۱۰	تقدیرگرایی	سرنوشت و تقدیر، طالع و اقبال، خواست خدا و قضا و قدر الهی، بد اقبال بودن	
۱۱	رهایی از ارزش‌های اخلاقی	دین‌گریزی، لذت‌گرایی، زوال شرم‌ساری، افزایش بی‌بندوباری	
۱۲	افزایش بی‌اعتمادی	از دست رفتن اعتماد از سوی خانواده، محله و جامعه که باعث طرد شدن آنان می‌شود	
۱۳	بی‌سوادی	نداشتن مدرک تحصیلی، دانش و آگاهی پایین، آموزش ناکافی و نادرست	
۱۴	شبکه انحراف	وجود گروه‌های کوچک سازمان‌یافته و غیرسازمان‌یافته در جذب و به کارگیری زنان در اعمال انحرافی	
۱۵	عدم حمایت اجتماعی	تحت پوشش نبودن ارگان‌های دولتی، عدم توجه از سوی خانواده، ناچیز بودن میزان کمک دیگران	
۱۶	عدم برنامه‌ریزی	نداشتن بینش، عدم آگاهی از وضعیت حال و پیش‌بینی آینده	
۱۷	نظام آشفته خانواده	جر و بحث خانوادگی، طلاق و جدایی، اعتیاد اعضای خانواده، طرد از خانواده	



۱- **مشکلات اقتصادی:** بدون شک فقر و مشکلات اقتصادی یکی از زمینه‌های بروز کج رفتاری‌های اجتماعی است؛ مشکلات اقتصادی به‌ویژه فقر از اساسی‌ترین معضلات و مشکلات در زندگی بشریت است، که با وجود پیشرفت و توسعه گسترده در زندگی انسان، میزان آن نه تنها کاسته نشده بلکه روبه‌روز در حال افزایش است. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که فرار از فقر یا کسب درآمد برای گذراندن امورات زندگی یکی از عوامل مهم و تاثیر گذار در شکل‌گیری رفتارهای انحرافی بوده است؛ این مساله گاهی اوقات به جرائم سازمان‌یافته نیز منجر شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌گوید:

«هرکسی فکر می‌کند ما از سر دل خوشی تن به این کار می‌دیم نه در واقع من هیچ منبع درآمدی ندارم و برای این که بتونم خرج زندگی خودم و تنها پسر رو تامین کنم مجبورم اینطور کار کنم و راهی دیگه نیست (مشارکت‌کننده شماره ۱، ۲۹ ساله)».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه اظهار داشت:

«من می‌تونستم از طریق خودفروشی پول کسب کنم اما این کار رو انجام ندادم چون خانوادم روی این مسئله حساس هستند، اما گرسنگی این چیزها را نمی‌فهمد من سعی می‌کنم مردهای پول‌دار را تیغ بزنم و دم به تله ندم (مشارکت‌کننده شماره ۲، ۳۲ ساله)».

زنان در استان لرستان به دلیل ساختار مرد محور و فرصت‌های محدود اجتماعی، امکان دستیابی به اشتغال و درآمد کافی را ندارند. در این شرایط فرد، با تنگنای اقتصادی روبه‌رو می‌شود که در بعضی اوقات راهی جز هنجارشکنی و تخطی از قوانین نیست و تنها راه ممکن برای رفع مشکلات زندگی شخصی و خانوادگی را در گزینش راه‌های نابهنجار می‌بینند.

۲- **احساس تنهایی:** انسان موجودی اجتماعی است که بدون ارتباط و همبستگی اجتماعی ادامه حیات و زندگی برای او بسیار سخت خواهد بود؛ به‌طوری که فرد احساس تنهایی و پوچی می‌کند؛ از این‌رو می‌توان گفت تنهایی یک حالت ذهنی دردناک از عدم رابطه با دیگران است. هنگامی که فرد تنها است احساس نیاز به تفاهم و اشتیاق برای قسمت کردن احساسات و افکارش با دیگران در وی پدیدار می‌گردد. به عبارت دیگر احساس تنهایی پاسخی پیچیده و بیشتر ناخوشایند به انزوا یا کمبود هم‌صحبتی است. این پاسخ به طور معمول شامل احساس اضطراب از کمبود ارتباط و اشتراک با دیگران است، که از گذشته شروع شده و تا به آینده ادامه خواهد داشت. البته این احساس ممکن است زمانی که فرد در اطراف خود افرادی را دارد نیز وجود داشته باشد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

«تنهایی حس بدی به آدم می‌دهد و خلاء را در خودت و بقیه می‌بینی وقتی می‌بینی که چیزی کم داری دنبال رفع مشکل هستی من از خونه فرار کردم چون تنها بودم هیچکی رو نداشتم و بعد با یک نفر دوست شدم و با اون رابطه داشتم تا بعد از هفت روز تو یک شهر دیگه منو پیدا کردن و آوردن اینجا... (مشارکت‌کننده



شماره ۳، ۱۶ ساله)».

زنان براساس ویژگی‌های خاص جنسیتی دارای روحیه‌ی عاطفی و حساس هستند که نیاز به توجه و محبت از سوی دیگران یعنی اطرافیان دارند؛ یعنی نیازمند سرمایه اجتماعی قوی هستند. تنهایی و انزوای اجتماعی به واسطه فقدان شبکه اجتماعی به وجود می‌آید. احساس‌های بارز در این حالت عبارتند از: ملال، بی‌هدف بودن یا احساس محرومیت و طرد شدگی. و برای درمان این تنهایی وارد شدن به گروهی از دوستان یا بستگان که با آنان می‌توان کارهایی را به طور مشترک انجام داد توصیه می‌شود.

۳- **دوگانگی ارزشی:** براساس دیدگاه بوردیو هر قشر و طبقه‌ای دارای یک منش یا عادت‌واره است که براساس آن فکر و حتی رفتار می‌کند؛ عادت‌واره، میدان و سرمایه از نظر مفهومی و تجربی دارای ارتباط درونی‌اند؛ کنش‌های ما محصول رابطه‌ی دو پهلو و ناخودآگاه بین میدان، عادت‌واره و سرمایه و نتیجه عادت‌واره‌ی شخص با وضعیت فعلی است. امروزه با گسترش وسایل ارتباط جمعی، افزایش تحصیلات، مهاجرت و سایر موارد، ارزش‌ها و هنجارهای قبلی در مقابل ارزش‌ها و هنجارهای جدید کسب شده قرار می‌گیرند و فرد دوگانگی شدیدی در خود احساس می‌کند؛ از یک طرف با ارزش‌های درونی هم‌نوا و از یک طرف دیگر تمایل به نگرش‌ها و رفتارهای جدید را دارد؛ فرد در تضاد بین این دوگانگی قرار گرفته و حالت شناوری ما بین این دو دارد که منجر به بروز کج‌رفتاری‌های اجتماعی می‌شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

«وقتی دانشگاه تهران قبول شدم و مشغول به تحصیل شدم و در دانشگاه، خوابگاه و حتی بیرون رفتارهایی رو می‌دیدم که در اصل با عقاید من همخوانی نداشت... ولی به مرور احساس کردم که این ارزش‌ها جزئی از وجود من شدن و گاهی اوقات همون رفتاری را که مخالف عقاید من بود رو انجام می‌دادم (مشارکت‌کننده شماره ۴، ۲۶ ساله)».

در عصر مدرن پدیده‌های نو ظهور زیادی شکل گرفته است که تضاد و دوگانگی را به همراه دارد و فرد در درون این تضاد ارزشی گرفتار شده است که بین این دو ارزش در حال رفت و آمد است و فشار ارزشی بیش از حدی را تحمل می‌کند.

۴- **شهری شدن سرمایه:** شهری شدن سرمایه‌مفهومی است که از دیوید هاروی اقتباس شده است؛ این مفهوم در پی درک فرایند شهرنشینی و شهرگرایی تحت نظام سرمایه‌داری است. از نگاه‌ها روی تمرکز بر شهری شدن به معنای تمرکز بر آن به عنوان موضوع خاص نظری جدای از آنچه سرمایه داری به آن می‌پردازد، نیست بلکه سرمایه را همان گونه که مارکس اصرار داشت می‌بایست نه شیء، بلکه فرایند تلقی کرد و شهری شدن فرایندی است که از طریق تولید چشم اندازهای اجتماعی، فیزیکی و تولید آگاهی در معرض دید قرار می‌گیرد. خرم‌آباد مرکز استان لرستان است که نسبت به سایر شهرها و روستاها از امکانات بیشتری برخوردار است و با جلوه‌های ویژه در کسب‌وکار و اشتغال از امتیاز خاصی برخوردار است. سرمایه بیشتر در شهر هزینه می‌شود که



همین عامل، زمینه جذب اقشار مختلف از روستا یا شهرهای کوچک به مرکز می‌شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌گوید:

«شهر پر از امکانات است و آدم دلش می‌خواهد تمام این امکانات یا بعضی از آنان را به دست بیاورد، ولی اون چیزی که من فهمیدم این همه خوشی و پول برای از ما بهترونه، من و امثال من در خواب همچین چیزی نمی‌بینیم که با کار معمولی و عرق ریختن به دست بیاریم (مشارکت‌کننده شماره ۵، ۴۲ ساله)».

افراد بدون آگاهی از مخاطرات شهر و در پی امکانات، آگاهی و تبلیغات گسترده‌ای که از شهر می‌شود روانه شدن به سمت شهر را نجات‌بخش زندگی فردی و اجتماعی اطرافیان خود می‌بیند. و با جابه‌جایی به شهر به‌دنبال کسب سرمایه و رفاه اجتماعی است دریغ از آن‌که سرمایه شهر بین همه‌اقشار و گروه‌های اجتماعی تقسیم نمی‌شود.

۵- شیوه جدید زندگی: شیوه‌ی زندگی ناظر بر بینش و منش توأمان زندگی افراد است. بینش و منشی که مضاف بر ارزش‌گذاری درباره امور زندگی است که از دل این بینش و منش سبک‌های خاص زندگی به‌وجود می‌آید. در دنیای مدرن سبک‌های مختلف اجتماعی اقتصادی برای زندگی کردن و کسب درآمد ظهور پیدا کرده است. بعضی از رفتارهای انحرافی به سبک و زندگی افراد تبدیل شده است. به‌عنوان مثال روابط عاشقانه و سیال جنسی به یکی از عناصر الگو و سبک زندگی افراد تبدیل شده است. در چنین شرایطی زنان کج‌رو از این روش برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند و این حق را برای خود قائل می‌شوند که این یک شیوه زندگی است که براساس آن در اجتماع زندگی می‌کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه اظهار می‌گوید:

«من مطمئنم با این وضعیت چند سال آینده خیلی ما را قبول می‌کنند و می‌پذیرند این نوعی شیوه‌های امرار معاش و امورات زندگی است (مشارکت‌کننده شماره ۶، ۳۳ ساله)».

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در این زمینه اظهار داشت:

«یک جووری می‌گن تو منحرفی تو کافری که هر کی ندونه فکر میکنه مگه من چکار کردم، خیلی‌ها اینجووری هستند مثل من و راست راست دارند می‌چرخند و برای خودشون برویایی دارند (مشارکت‌کننده شماره ۷، ۲۹ ساله)».

با وجود حمایت همسالان و شبکه‌های شغلی، زنان کج رفتاری‌های خود را یک نوع شغل و بعضی هم اوقات فراغت جدید می‌دانند که از این نوع زندگی هم لذت می‌برند.

۶- عدم توجه به مناطق خاص (حاشیه‌نشینی): یکی دیگر از مهم‌ترین معضلات اجتماعی کنونی، بی‌عدالتی و عدم توزیع امکانات اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، رفاهی و بهداشتی در سطح کشور می‌باشد و از این‌رو خیلی از مناطق کشور از کمبود امکانات رنج می‌برند و به همین دلیل دست به مهاجرت به کلان شهرها می‌زنند. اما به دلیل عدم انطباق با محیط جدید به حاشیه رانده می‌شوند و فرد در حاشیه برای تامین

مایحتاج خود مجبور به انجام کارهای غیرقانونی می‌شود. مناطق حاشیه‌ای و مکان‌های جرم‌خیز در شهر به وفور مشاهده می‌شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

«مردم از من و امثال من چه انتظاری دارند تا الان در منطقه شمشیرآباد یا دیگر مناطق فقیرنشین زندگی نکردن و انتظار دارند ما بر اساس معیارها و الگوی آن‌ها زندگی کنیم، مگر مسوولان برای ما تو این مناطق چکار کردند که از ما انتظار دارند (مشارکت‌کننده شماره ۸، ۵۴ ساله)».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه اظهار داشت:

«وقتی هیچ منع درآمدی نیست مجبور میشی که دست به هر کاری بزنی؛ جایی که ما زندگی می‌کنیم پر از زباله، کثیف و بسیار ناامن و مردمش فقیر هستند (مشارکت‌کننده شماره ۹، ۲۸ ساله)».

۷- رهایی از ارزش‌های اخلاقی: یکی از راهکارهای زنان کج رفتار در مقابل فشارهای اجتماعی و محیط پیرامون، بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی کنونی جامعه است و در مقابل از ارزش‌های جدید پیروی می‌کنند. فرد بزهدار با کهنه و منسوخ دانستن ارزش‌های اخلاقی جامعه، به توجیه وضعیت و رفتار خود می‌پردازد که در دنیای مدرن چیزی به عنوان ارزش وجود ندارد و همه چیز به علایق فرد بستگی دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«بابا کی میگه این کار ما جرم هست و گناه دارد مگه نباید ما وجدانمان راحت باشه من وجدانم راحت و اصلا هم احساس گناه نمی‌کنم (مشارکت‌کننده شماره ۱۰، ۳۹ ساله)».

۸- افزایش بی‌اعتمادی: اعتماد اجتماعی در جامعه مانند شیرازه‌ای است که سبب پیوند و همگرایی مردم شده و از واگرایی آن‌ها جلوگیری می‌کند. کج رفتاری‌های اجتماعی افراد می‌تواند به دلیل بی‌اعتمادی و ضعف سرمایه اجتماعی باشد؛ از این‌رو، یکی از مهمترین آسیب‌های اجتماعی کشور تضعیف هنجارهای اخلاقی و بروز رفتارهای ناپه‌نجان است که ناشی از بی‌اعتمادی اجتماعی است؛ فرد در این حالت احساس بی‌قدرتی و بی‌اختیاری کرده و قادر به تحت تاثیر قرار دادن محیط اجتماعی خود نیست. این محیط اجتماعی از خانواده و محل زندگی و محل کار شروع شده و به جامعه سرایت می‌یابد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌گوید:

«خانواد دیگره به من اعتماد ندارن و حتی اجازه بیرون رفتن هم به من نمی‌دهند و طوری وانمود می‌کنند که من دروغگو هستم و زندگی را هم برای من و هم خودشان سخت گرفتند تا جایی که دوست دارم بمیرم (مشارکت‌کننده شماره ۱۱، ۱۹ ساله)».

کج رفتارهای اجتماعی زنان پیامدهای زیادی را به جامعه تحمیل می‌کند که مهم‌ترین بی‌اعتمادی به زنان در سطح خرد و در سطح کلان به مادران و پرورش دهندگان نسل آینده است. که این بی‌اعتمادی، منجر به افزایش تجرد و فروپاشی خانواده در آینده می‌شود.

۹- کمبود سرمایه فرهنگی (بی‌سوادی): همان‌طور که قبلاً اشاره شد زنان مراجعه‌کننده به اورژانس



اجتماعی از تحصیلات و سرمایه فرهنگی پایینی برخوردار بودند و یکی از معضلات آن‌ها ضعف آگاهی و پایین بودن میزان سواد و دانش آن‌ها است. در این شرایط فرد با حالت نابرابری روبه‌رو می‌شود که خود عاملی در بیگاری و سوءاستفاده از آنان می‌شود. حتی زنان تحصیل کرده نیز با اشاره به عدم آگاهی و دانش لازم معتقدند اگر از آگاهی کافی برخوردار بودند درگیر انحرافات اجتماعی نمی‌شدند و زندگی عادی داشتند؛ از این‌رو، یکی از علل کج‌رفتاری‌های اجتماعی، نداشتن سواد و آگاهی لازم و مناسب شناخته شد یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

«یکی از دلایلی که زنان درگیر انحراف و کار خلاف می‌شوند چون ناآگاه هستن و اگر کسی بود این موارد رو بهشون آموزش می‌داد قطعاً میزان گرایش به تخلفات در بین زنان کاهش می‌یافت (مشارکت‌کننده شماره ۷، ۳۲ ساله)».

زنان به علت سواد ناکافی از تربیت و آموزش پرورش مناسب در جامعه دور می‌شوند؛ این مساله منجر به کاهش آگاهی و دانش آنان می‌شود و به مرور زمان و عدم مهارت‌های لازم برای زندگی عادی، درگیر و گرفتار باندهای قاچاق و تبهکار می‌شوند؛ وضعیتی که ممکن است سبب شود به اعمال مجرمانه روی بیاورند و تهدیدی برای سلامت اجتماعی جامعه شوند.

۱۰- شبکه‌های سازمان‌یافته جرائم (سازمان شغلی): این مقوله به چگونگی تأثیر روابط زنان کجرو با دوستان و همکاران خود در محیط کار اشاره دارد. در واقع مشاهدات و مصاحبه‌های انجام‌شده با زنان کجرو نشان می‌دهد که گروه‌های شغلی و گسترش شبکه ارتباطی درگرایش به کج رفتاری‌های اجتماعی نقش مهمی دارند. به‌طورکلی می‌توان گفت شبکه‌های سازمان‌یافته و سازمان‌نیافته، در ورود زنان به عرصه بزه‌کاری، یادگیری فنون مربوط به کج رفتاری در محله نقش ایفا می‌کنند. بسیاری از این زنان از طریق شبکه‌های شغلی سازمان‌یافته با جرائمی مثل خرید و فروش مواد مخدر آشنا شده و وارد این عرصه می‌شوند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه اظهار داشت:

«دوتا از دوستانم تو این گروه‌ها هستند و همه کسانی که این کار را انجام می‌دن افغانی و هم‌زبان هستند و از من حمایت می‌کنن قبلاً در روستا و در مزرعه کار می‌کردم ولی شش ماه پول بهم ندادن و کسی نبود حق منو بگیره ولی این جا ما با ارباب دستگاه سروکار داریم (مشارکت‌کننده شماره ۱۲، ۲۱ ساله)».

شبکه‌های سازمان‌یافته می‌توانند در به دست آوردن موقعیت‌های شغلی مناسب برای افراد تأثیرگذار باشند. در واقع پیوندهای ضعیف و قوی در این رابطه تأثیرگذارند. به‌طوری‌که پیوندهای ضعیف (مانند آشنایان دور) نسبت به پیوندهای قوی (مانند دوستان و شبکه فامیلی)، در به دست آوردن فرصت‌های شغلی مناسب‌تر توسط افراد نقش مهم‌تری ایفا می‌کنند.

۱۱- نبود حمایت اجتماعی مناسب: ارتباط با دیگران و گروه‌های اجتماعی، یک شبکه حمایتی برای افراد

ایجاد می‌کند. معمولاً اعضاء در خانواده با یکدیگر در پی حفظ شبکه خانوادگی هستند. اما اکثر خانواده‌های مصاحبه‌شوندگان از افراد ضعیف و کم‌درآمد هستند که از لحاظ اجتماعی و اقتصادی توانایی حمایت از فرزندان خود را هم ندارند. فرد به‌عنوان عضو خانواده برای فرار یا بهبود و ارتقاء وضعیت موجود به دنبال یک سرگرمی، منبع آرامش و یا یک حرفه خاص می‌گردد و از آن‌جایی که دختران و زنان از توانایی و تخصص خاصی برخوردار نیستند به رفتار انحرافی روی می‌آورند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه اظهار داشت:

«هیچکس از خانواده به فکر بقیه نیستند و همش در پی کسب حداقل‌های زندگی هستند، اصلاً به ما نه‌تنها توجه نمی‌کنند بلکه وقتی اعتراض می‌کنیم، می‌گویند تو بزرگ شدی (مشارکت‌کننده شماره ۱۳، ۱۹ ساله)».

۱۲- احساس گناه: در جامعه‌ای که فردگرایی در تمامی عرصه‌های آن غالب می‌شود، هر انسانی به‌تنهایی مسئول سرنوشت خود تلقی شده و این حس درونی تمامی شکست‌ها و بدبختی‌های هر فرد را معطوف به ناتوانی‌های شخصی او می‌گرداند. احساس گناه یکی از ویژگی‌های فراگیر زنان درگیر کج رفتاری‌های اجتماعی بوده که زندگی مادی مفلوکانه‌ی آن‌ها و عدم درک درست از مکانیسم‌های اجتماعی مرتبط با این موضوع هستند توضیح دهنده‌ی این فراگیری است. آن‌ها بارها از خود پرسیده‌اند که چرا وضع زندگی من این‌گونه است. مقایسه‌ی ساده‌ی میان آن‌چه در اطراف وی می‌گذرد با شرایط سیاه زندگی مادری‌اش این سؤال را اجتناب‌ناپذیر می‌گرداند. انسان با مفاهیم ناتوانی فردی، تنبلی و عدم تلاش کافی، بدشانسی و ... روبه‌رو است و عذاب وجدان سنگینی را حس می‌کند. در این شرایط هر خواست طبیعی و بر حق او برای زندگی سالم، برای بازی و شادی را بر خود حرام می‌کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه اظهار داشت:

«خب معلومه این کار برای هرکسی که تازه کار هست با یک عذاب وجدان سنگین شروع می‌شود و تا یک مدت فقط دنبال مواردی از این دست است که کی می‌توانم از این کار دست بکشم و راحت بشم اما راهی نیست (مشارکت‌کننده شماره ۱۴، ۲۴ ساله)».

این امر، زندگی را با احساس گناهی مداوم عجین می‌سازد. گناه نخستینی که هبوط وی از جهنم زندگی‌اش را نیز ممکن نموده و تنها سرکوب و بازداري را برای وی توجیه می‌کند.

۱۳- ناتوانی در برنامه‌ریزی (عدم آینده‌گرایی): منظور از عدم برنامه‌ریزی، ناتوانی در پیگیری اهداف و آرزوهاست که به نوعی "در حال" زیستن است؛ وضعیتی که کوتاه بودن افق‌های آینده را نشان می‌دهد و افراد نمی‌توانند برای خود برنامه‌ریزی درازمدت داشته‌باشند. ناپایداری شرایط عمومی در بعضی موارد از جمله نیازهای اولیه گرفته و وضعیت شغلی و حقوقی باعث شده است اضطراب و استرس را بر آنان تحمیل کند. این استرس و اضطراب کنشگری را از آنان گرفته است. عدم امکان برنامه‌ریزی درازمدت زنان را به‌سوی واکنش‌های جبرانی روپا بافتن سوق می‌دهد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه اظهار داشت:

«من نمی‌دونم تا کی در این وضعیت هستم شاید تا آخر عمر، وقتی پول ندارم و دغدغه‌های زیادی دارم



نمی‌تونم به آینده فکر کنم (مشارکت‌کننده شماره ۱۵، ۳۱ ساله)».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌گوید:

«آینده معنی نداره وقتی من نمی‌تونم مشکلات الان ام را حل کنم فکر کردن به آینده امکان نداره، شاید

چون سواد ندارم نمی‌تونم فکر کنم (مشارکت‌کننده شماره ۱۶، ۴۰ ساله)».

مصاحبه‌شوندگان با خیال‌بافی سعی می‌کنند واقعیت‌های سخت روزمره را آسان‌تر کرده و از سوی دیگر از

رویا و خیال به‌عنوان منبع الهامی برای فرار از ساختارهای نابرابر موجود استفاده کنند.

۱۴- تقدیر گرایی: تقدیرگرایی یک واکنش دفاعی برای مقابله با محرک‌های آسیب رساننده‌ی بیرونی است.

بر اساس این ذهنیت، با توجه به عدم درک شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه که باعث ایجاد و گسترش

فقر در جامعه می‌شوند، زنان وضعیت خود را به‌صورت تقدیرگرایانه می‌پذیرند و تقدیرگرا می‌شوند. یکی از

مصاحبه‌شوندگان در این زمینه اظهار داشت:

«چیزی که برام رقم خورده این بود که من باید می‌ومدم تهران. یعنی خدا خواسته که من روزی خودم و

خانوادم رو با کار در فروش مواد نجات دهم؛ نمی‌خواهم از خودم دفاع کنم ولی بعضی وقت‌ها همچین چیزی

برات رقم خورده است (مشارکت‌کننده شماره ۱۸، ۳۵ ساله)».

در بسیاری از موارد زنان فقیر و بی‌سواد، افرادی با آگاهی اجتماعی اندک، تقدیرگرا، منفعل و فاقد تفکر

انتقادی شناخته، که شرایط ظلم و ستم ایدئولوژیکی را تقویت و حصار شرایط نابرابری اقتصادی و اجتماعی را

فربه‌تر می‌کنند؛ و فرد در درون این چارچوب ایدئولوژیکی توانایی تشخیص نابرابری و... را نمی‌تواند درک کند.

۱۵- دوستان ناباب: جامعه‌پذیری فرایندی است که طی آن فرد ارزش‌های رایج را که در ساخت نظام اجتماعی

بر آن متکی است شناخته و آن‌ها را درونی می‌سازد. به‌طورکلی نظریات جامعه‌پذیری بر این اصل استوار است که

افراد به‌عنوان کنشگران اجتماعی رفتار خود را مطابق با خواست عوامل اجتماعی شد به‌ویژه خانواده و دوستان

شکل داده و هدایت می‌کنند. درواقع، ارزش‌ها و هنجارها چگونگی رفتار فرد را شکل داده و رهبری می‌کنند.

منابع جامعه‌پذیری هر فرد عبارت از خانواده که به‌عنوان مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری، گروه دوستان و مدرسه،

رسانه‌های ارتباط جمعی و... می‌باشند. یکی از گروه‌های جامعه‌پذیری که انتخاب ارزش‌ها و نگرش‌ها از طریق آن

صورت می‌گیرد، گروه دوستان و همسالان است. فرد از طریق آشنایی با گروه دوستان بزهکار و ناپهنجار تمایل

به انحرافات اجتماعی در وی تقویت می‌گردد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

«از دوره نوجوانی در بین بچه‌های همسایه و مدرسه دوستان زیادی داشتم. تقریباً با همه دوستان همبازی

بودم. زمان دبیرستان با دختری آشنا شدم که خیلی ادعای بزرگی داشت. یک روز سر مسئله‌ای با او دعوا کردم

و او گفت تو چقدر سوسول هستی کی می‌خواهی مستقل شوی خواستم از او کم نیاورم گفتم هر جا باشد من

هستم مرا به‌جایی دعوت کرد که همه‌چیزم از بین رفت دوست ناباب مرا در این مسیر انداخت. بعدها با مصرف

مواد هرکس که مواد می‌خواست از من مواد طلب می‌کرد که من از طریق واسطه آن را فراهم می‌کردم تا این که کم‌کم به یک فروشنده و توزیع‌کننده اصلی تبدیل شدم (مشارکت‌کننده شماره ۱۲، ۲۱ ساله)».

۱۶- **نظام خانواده آشفته:** بر این اساس، خانواده آشفته، حاصل از بین رفتن قواعد اجتماعی و بی‌اخلاقی است. این خانواده با کنش‌ها و اختلالات رفتاری نظیر غیرمنطقی بودن، دعوا، تعارض و... مشخص می‌شود و اعضای آن دارای شخصیت‌های مخرب و غیرعادی هستند که فضای خانه را به اضطراب و تنش می‌کشاند؛ هرچند والدین در چنین خانواده‌هایی حضور فیزیکی دارند، اما فضای حاکم بر خانواده توأم با طرد فرزندان، کمبود محبت و بی‌توجهی به مسائل آن‌ها می‌باشند. فرزندان به حال خود رها شده‌اند و روابط آن‌ها فاقد هر نوع نظارت صحیح است. در این خانواده کارکرد تربیتی و کنترل غیررسمی خانواده تضعیف شده و زمینه هنجارشکنی فرزندان فراهم است. روابط اعضاء به طور عمده بر اساس تحقیر و نارضایتی از یکدیگر شکل گرفته و در مواردی نیز به مشاجره و دعوا می‌انجامد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این وضعیت می‌گوید:

«من در خانواده‌ای زندگی می‌کنم که پدرم نه تنها معتاد بود بلکه مشکل اخلاقی هم داشت، دیر به خانواده سر می‌زد، همه ازش گله‌مند بودند، همیشه سروصدای جروب‌بحث در داخل خانواده شنیده می‌شود. یکی از خواهرام ۵ سال پیش خودکشی کرد و یکی از داداش‌ها هم نیزترک تحصیل کرده و به قاچاق مواد و مشروب مشغول است (مشارکت‌کننده شماره ۱۹، ۲۶ ساله)».

گزاره‌های بالا حاکی از آن است که نظام خانواده به‌تنهایی از پدر و مادر و فرزندان تشکیل نمی‌شود، بلکه انسجام سازه‌های آن، امری تعاملی است که مابین خانواده شکل می‌گیرد. خانواده‌هایی که در آن‌ها، پریشانی و رفتارهای ناهم‌نوا با اصول اخلاقی جامعه و اعضای خانواده دیده می‌شود، به از بین رفتن روابط اجتماعی، اعتماد و انسجام عاطفی منجر می‌شود. در این حالت، احتمال طلاق، جدایی، خودکشی و گرایش به سمت مسائل غیراخلاقی و فروش مواد مخدر و اعتیاد نیز زیادتر می‌گردد.

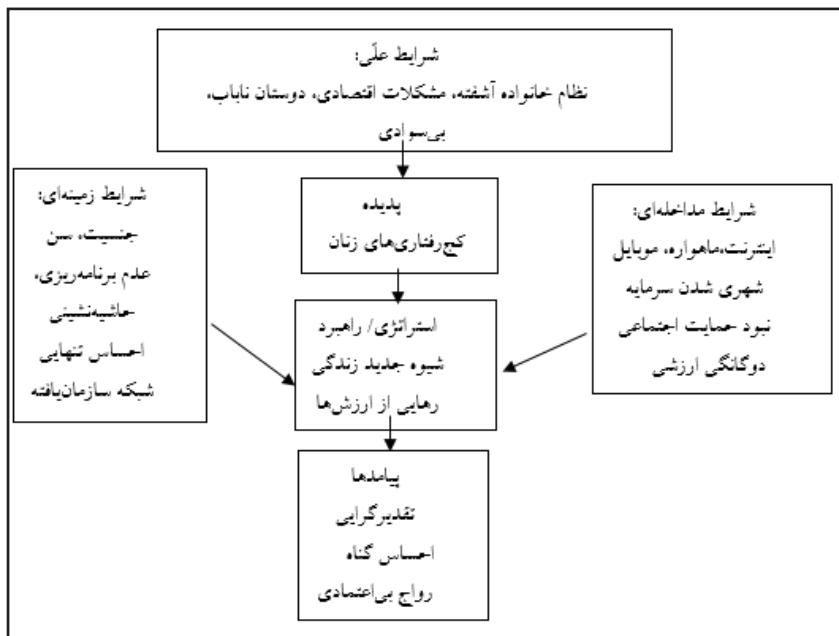
۱۷- **نفوذ رسانه‌های ارتباطی:** وسایل ارتباط جمعی، ابزارهای قدرتمند انتقال پیام هستند که طیف وسیعی از مخاطبان را بدون هیچ‌گونه ارتباط مستقیمی بین فرستنده و گیرنده را جذب می‌کند، فضای اجتماعی امروز برعکس گذشته محصور رسانه‌های گوناگون است به‌طوری‌که نقش آن‌ها در جامعه‌پذیری اقشار جامعه انکارناپذیر است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه اظهار داشت:

«در تلویزیون و ماهواره فیلم‌های پخش می‌شود که با زندگی ما هیچ شبهاتی وجود ندارد، و ما در حسرت این نوع زندگی را می‌خوریم و دوست داریم مثل این افراد زندگی کنیم (مشارکت‌کننده شماره ۶، ۳۳ ساله)».

به‌طور کلی، رسانه‌های اجتماعی مانند ماهواره و شبکه‌های مجازی با تبلیغ زندگی مرفه و لاکچری نفوذی غیرقابل وصف در آحاد جامعه داشته است و باعث نگرش مادی‌گرایی در گروه‌های مختلف مخصوصاً نسل جوان شده است.

بحث و نتیجه گیری

کج رفتاری‌ها را نباید پدیده‌ای فردی قلمداد نمود که فرد با اختیار و آگاهانه انتخاب نموده است. کج رفتاری و بزهکاری یک پدیده پیچیده و چندبعدی است که علاوه بر شرایط فرهنگی و اجتماعی، شرایط حاکم بر ساختار اقتصادی، سیاسی و مدیریتی را در شکل‌گیری این پدیده را باید در پیوند باهم بررسی و تحلیل نمود. انحرافات و کجروی از یک طرف، پدیده فردی است که فرد آن را انتخاب می‌کند و از طرفی اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی است چون شرایط خاص جامعه آن را به فرد تحمیل می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد کجروی از چند عامل تشکیل شده است که رکن اصلی آن ساختار فرهنگی و اجتماعی است.



شکل ۱. کج رفتاری‌های زنان به مثابه‌ی بازاندیشی زیست اجتماعی زنانه

مقولات به‌دست‌آمده‌ی فوق در فرآیند ساخت نظریه زمینه‌ای نشان‌دهنده نگاه ویژه زنان و دختران شهرستان خرم‌آباد نسبت به کج رفتاری‌های اجتماعی است. شکل (۱) مدل ارتباط بین مقولات براساس سه بعد شرایطی، تعاملی / فرآیندی و پیامدی را نشان می‌دهد. با توجه به مفاهیم به‌دست‌آمده از نگرش‌ها و ادراکات زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی، مقوله نهایی و انتخابی این پژوهش «بازاندیشی در زیست اجتماعی زنانه» است، که می‌تواند کلیه‌ی سؤال‌ها و مباحث فوق را پوشش داده و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد. با نگاهی ظاهری به سبک‌های رایج زندگی امروزی در جامعه، به‌خوبی می‌توان ابعاد تأثیر مدرنیته را در زوایای گوناگون زندگی فردی و اجتماعی مشاهده نمود. مهم‌ترین ماهیت مدرنیته «انتظارات و نیازها» است. دستیابی به خواسته‌ها و

انتظارات با رفاه و آسایش و تمامیت خواهی، همراه است. براساس این مقوله آسایش و لذت غایت زندگی در محیط و بستر در حال تحول میدان اجتماعی زمینه تحول و نگرش در زنان را ایجاد نموده است؛ به طوری که زنان با وجود مخالفت‌های هنجاری و محیط مردسالار، خود را افرادی مستقل می‌دانند که پایبند اصول قدیمی و سنتی نیستند و با ایجاد زیست اجتماعی جدید در عرصه‌های اجتماعی مشارکت می‌کنند. به عبارت دیگر، بازاندیشی در زیست اجتماعی زنانه (شیوه جدید) در تقابل با زیست اجتماعی جنس دوم (جنس ضعیف) قرار می‌گیرد. زنان در زیست اجتماعی قبلی خود براساس نظام سنتی خانواده و جامعه مردسالار، اندیشه و رفتار می‌کردند و اختیار در زندگی فردی و اجتماعی خود نداشته‌اند. اما به موازات تغییر و تحول در جامعه و کاهش کارآیی بخش سنتی جامعه، یک الگوی جدید از زندگی شکل می‌گیرد که تکثر و تمایز یافتن را ترویج می‌دهد و دامنه‌ی فرهنگ کلی (جنس ضعیف) کاهش می‌یابد. بازاندیشی در زیست اجتماعی آزادی‌هایی را به زنان می‌دهد و فردگرایی خودخواهانه پایه و اساس این نوع نگرش را تشکیل می‌دهد؛ به نحوی که در چارچوب و قاعده‌ی اخلاقی و اجتماعی مرسوم نیست؛ در چنین شرایطی، برآوردن نیازها و انتظارات، روح راحت‌طلبی و دل‌بستگی به لذت‌های آنی و زودگذر از ویژگی اصلی زیست اجتماعی جدید زنانه است. یعنی، الگوپذیری از ارزش‌های جهان سرمایه‌داری و مصرف‌گرایی است؛ این نوع بازاندیشی به زندگی اجتماعی سبب شده است که میزان هم‌نواپی با ارزش‌های سنتی در بین زنان کاهش یابد و از سوی دیگر به دلیل نبود الگوهای جایگزین جذاب و مناسب با بستر اجتماعی کج‌رفتاری‌های زنانه رخ می‌دهد. باتوجه به این نتایج تغییر نگرش به زندگی و کج رفتاری‌های اجتماعی زنان از یک سری علل و زمینه‌های متنوع منتج شده است.

شرایط علی که بر پدیده‌ی «کج‌رفتاری‌های زنان» تأثیر دارند را می‌توان نظام خانواده آشفته، مشکلات اقتصادی، دوستان ناباب و پایین بودن سطح تحصیلات نام برد. خانواده بدون شک مهمترین رکن در پرورش و تربیت افراد است، خانواده در عصر جدید بی‌کارکرد شده است و نقش اصلی خود را از دست داده است و از طرفی دیگر، خانواده دچار مسائل بی‌شماری شده است که دچار گسست و از هم‌پاشیدگی می‌شود. به همین دلیل احتمال انحراف و کج‌روی اعضای خانواده در این وضعیت بسیار بالاست. دوستان ناباب و خلاف‌کار، یکی از شرایط علی زمینه‌ساز دستیابی به انتظارات و آرزوها است. این فشار در بین گروه دوستی چه درون و بیرون از فضای محله و منطقه و چه در فضای تحصیلی دامنه وسیعی داشته و دانش لازم در این زمینه را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. طبق نظریه پارسونز، مشکلات برآمده از نظام اقتصادی به‌ویژه تبعیض و بی‌عدالتی به صورت مستقیم و غیر مستقیم در هنجار یا بی‌هنجاری اعضای جامعه مؤثر است. امروزه نیازها و خواسته‌های مادی و دست یافتن به آن‌ها به مهمترین هدف افراد جامعه تبدیل شده است. عواملی چون محرومیت نسبی، نابرابری و بیکاری زنان عاملی اساسی در کج رفتاری اجتماعی شناخته می‌شود. کمبود سرمایه‌ی فرهنگی، اثر شگرفی در خردورزی افراد، انتخاب سبک زندگی، حفظ موقعیت یا تغییر شرایط زندگی دارد. بی‌عدالتی در دستیابی به



فرصت‌های اجتماعی، تاثیر بارزی بر کاهش سرمایه‌ی فرهنگی دارد. نداشتن آگاهی و پایین بودن سطح دانش و مهارت نیز، احتمال افزایش رفتارهای ناهنجار و مخالف ارزش‌های اخلاقی را افزایش می‌دهد. در زمینه‌ی «کج رفتاری‌های اجتماعی»، شرایط مداخله‌گر عبارتند از: نفوذ رسانه‌های جمعی جدید، شهری شدن سرمایه، نبود حمایت اجتماعی و دوگانگی ارزشی. در استان لرستان فقر و بیکاری یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی شناخته می‌شود. به طوری که روزگار معاصر سازمان‌های حمایتی و انجمن‌های مردمی نتوانستند امکانات کافی برای مردم به‌ویژه در روستاها را تأمین کنند و همین عامل زمینه‌گسترش فقر و یک عامل مهم در مهاجرت ساکنان به شهر شده است؛ شهر به دنیای پر زرق و برق تبدیل شده است که امکانات حداکثری از اقتصادی، بهداشتی و اجتماعی را در دل خود جای داده است و افراد را از مناطق مختلف به سمت سکنی گزیدن در این محیط تشویق می‌کند؛ نفوذ رسانه‌های ارتباطی در جذب و کشش افراد به شهر و راه‌های دست‌یابی به نیازها و انتظارات را به هر شکلی تبلیغ می‌کند، به طوری که خیابان‌گردی (پرسه‌زنی)، خوش‌گذرانی و لذت‌های متنوع به صورت تیزرهای جذاب پخش می‌گردد که فرد را با دگرگونی ارزشی مواجه می‌کند و فرد در دنیای شر و خیر، در هیجان‌خواهی، لذت‌طلبی و سالم زیستن در حال رفت و برگشت است و یک تعارض و دوگانگی شدید را در خود احساس می‌کند.

شرایط زمینه‌ای پژوهش به شرایط اجتماعی و فرهنگی بر می‌گردد. در نگاه اول با نگاه به سن و جنسیت این نکته به نظر می‌رسد که چون زنان موجوداتی عاطفی و احساسی و وابسته به نظام مردسالار هستند در برابر خطرات اجتماعی آسیب‌پذیرند و راحت‌تر درگیر بزه‌کاری می‌شوند. یکی از شرایط زمینه‌ای وجود مناطق حاشیه‌نشین است که جمعیت‌های زیادی در منطقه‌ای کوچک جا داده است؛ حاشیه‌نشینی به کانون جرم تبدیل شده است منطقه به علت ناهمگنی و فقر زمینه سوءاستفاده از اعضای محیط را فراهم می‌کند و گروه‌های بزهکاری را در درون خود پرورش می‌دهد. یکی دیگر از ویژگی‌های مناطق حاشیه‌نشین، عدم برنامه‌ریزی و آینده‌نگری است که فرد پیامد رفتار و کنش‌های شخصی خود را در نظر نمی‌گیرد. دیگر شرایط زمینه‌ای احساس تنهایی شدیدی است که فرد کمبود عاطفه و محبت را تجربه و لمس می‌کند و برای فرار از این وضعیت به انجام رفتارهای خاصی روی می‌آورد که پیامدهای فردی و اجتماعی ناگواری را در پی دارد. راهبرد و استراتژی در پدیده کج رفتاری از دید زنان، شیوه زندگی جدید و نادیده گرفتن ارزش‌های اخلاقی است. به همین خاطر رفتارهای پرخطر نامتعارفی مانند اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر و روابط نامتعارف جنسی با جنس مخالف به یک اصل و الگوی رفتاری و یک شیوه زندگی تبدیل شده است. پیامد عمده شرایط و فرآیندهای بحث شده، منتج به تقدیرگرایی، احساس گناه و رواج بی‌اعتمادی و گسترش رفتارهای کجرو در سطح فردی و اجتماعی است.

همان‌گونه که اشاره شد بازاندیشی در زندگی زنانه دارای ویژگی و مختصات خاص خود است. نوعی زندگی جدید که مهم‌ترین مؤلفه آن دوگانگی ارزشی در نقش زنانگی در فضای اجتماعی است که با چالش‌هایی

مانند استقلال، مشکلات اقتصادی، تلاش برای کاستن معضلات به واسطه رفتارهای بهنجار یا نابهنجار و... مواجهه‌اند که به سازگاری و در نهایت خودآگاهی و بازاندیشی درباره اهداف و شرایط گذشته منجر می‌شود. بازاندیشی این فرصت را به دختران و زنان می‌دهد که شرایط جدیدی را تجربه کنند و آن را با شرایط گذشته خود مقایسه کنند. این بازاندیشی در زندگی زنانه باعث تغییرات نگرشی در مورد خودشان، توانمندی‌ها، نقش و جایگاه اجتماعی‌شان می‌شود. زیست اجتماعی جدید این امکان را به فرد می‌دهد تا در راستای نیازها و انتظارات دست به عمل بزند و به‌گونه‌ای، تابو بودن بسیاری از ارزش‌ها شکسته و به مرور زمان بی ارزش یا کمتر مورد توجه قرار گیرند.

از این رو لازم است سازمان‌های فرهنگی و آموزشی مانند صدا و سیما، دانشگاه‌ها و مراکز مشاوره و بهزیستی در راستای برنامه توسعه کشور به آگاه بخشی افراد جامعه در حوزه شیوه‌های جدید زندگی در بین گروه‌های مختلف بپردازند. به گونه‌ای که زنان به عنوان یک عضو از جامعه حق انتخاب نوع زندگی براساس علایق و نیازهایشان را دارا باشند. با توجه به فرهنگ مردسالار میدان مورد مطالعه و محدود شدن انتخاب الگوی زندگی زنانه لازم است که برنامه‌های آموزشی از سازمان آموزش و پرورش (مدارس) و شبکه‌های استانی به وضعیت اجتماعی جدید زنان، مزایا و پیامدهای آن پرداخته شود به گونه‌ای که شکاف موجود بین دو جنس کاهش یابد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این پژوهش از کلیه شرکت‌کنندگان که در این مسیر پژوهشگران را یاری نمودند، قدردانی می‌نمایند.

منابع

- اسلامی، سیدرضا. (۱۳۹۴). مطالعه جامعه‌شناختی گرایش به مواد مخدر در بین نوجوانان تبریز. مرکز مبارزه با ستاد مواد مخدر، تبریز.
- اسلامی، احمدعلی؛ غفرانی‌پور، فضل‌الله؛ غباری‌بناب، باقر؛ شجاعی‌زاده، داود؛ امین‌شکروی، فرخنده؛ قاضی طباطبایی، محمود. (۱۳۸۹). یک الگوی نظری مبتنی بر نظریه رفتار مکمل برای تبیین رفتارهای مشکل: تمرکز بر نقش میانجی عوامل روانی، اجتماعی. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره جدید، شماره ۲۲، صص ۸۱-۵۹. قابل‌بازیابی از: http://sss.jrl.police.ir/article_11912.html
- بقائی‌سرای، علی؛ حق‌شناس، سمیه. (۱۳۹۵). تأثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در مواجهه زنان بارفتارهای غیراخلاقی. پژوهش‌نامه زنان، شماره ۱۸، صص ۹۷-۷۳. قابل‌بازیابی از: http://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_1946.html
- بنی‌فاطمه، حسین؛ باقری‌رئوف، زینب (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر شدت جرائم در بین زنان مجرم زندان ارومیه. جامعه‌شناسی، شماره ۱، صص ۲۱-۱. بازیابی از: http://jss.iaut.ac.ir/article_520918.html
- جمشیدی‌ها، غلام‌رضا؛ قلی‌پور، سیاوش. (۱۳۸۹). مدرنیته و خودکشی زنان و دختران لک. مسائل اجتماعی، شماره اول، صص ۹۶-۷۹. قابل‌بازیابی از: https://ijsp.ut.ac.ir/article_20746.html
- دورکیم، امیل. (۱۳۹۳). درباره تقسیم کار اجتماعی. ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.
- زارع‌شاه‌آبادی، اکبری؛ شفیع‌نژاد، مجتبی و مداحی، جواد. (۱۳۹۶). اقدام به خودکشی بین زنان آبدانان: انگیزه‌ها و شرایط. زن در توسعه و سیاست، شماره ۳، صص ۴۴۶-۴۲۷. قابل‌بازیابی از: https://jwdp.ut.ac.ir/article_63333.html

- ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۶). آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات). تهران: نشر آوای نور.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی کجروی. تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عبدالرحمانی، رضا؛ حسین‌پور، جعفر؛ بشیری، هادی. (۱۳۹۷). بررسی رابطه‌ی استفاده از شبکه‌ی پیام‌رسان تلگرام در گرایش جوانان همدانی. دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی اجتماعی زنان و خانواده، ۶(۱)، ۴۷-۶۶. قابل بازیابی از: http://pssw.jrl.police.ir/article_20333.html
- فلیک، اوه. (۱۳۸۹). درآمدی بر تحقیقات کیفی. (ه. جلیلی، مترجم). تهران: نشر نی.
- فیروزجائیان، علی‌اصغر؛ قدیری، حسن. (۱۳۹۶). مطالعه پدیدارشناختی دلایل بی‌وفایی زناشویی. مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۲۳. قابل بازیابی از: http://www.jss-isa.ir/article_31608.html
- قادری، صلاح‌الدین؛ سراج‌زاده، سید حسین؛ گلچین، مسعود؛ سلیمانی، سمیه. (۱۳۹۷). اعتیاد زنان: شرایط، تعاملات و پیامدها: ترسیم مدل پارادایمی. دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زن و خانواده، ۶(۲)، صص. ۱۸۱-۱۵۹. قابل بازیابی از: http://journals.police.ir/article_20333.html
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی (منطق و طرح در روش شناسی کیفی) ضد روش. جلد اول. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مرعشیان، زینب‌السادات؛ کشفی، سید سعید. (۱۳۹۵). عوامل مرتبط با بزهکاری زنان در فضای سایبری با تأکید بر اعتیاد به اینترنت. زن و فرهنگ، شماره ۳، صص. ۹۱-۱۰۲. قابل بازیابی از: http://www.iaujournals.ir/article_529398.html
- معظمی، شهلا و همکاران (۱۳۹۴). تأثیر زندان بر تکرار جرم زنان. دانشنامه حقوق خصوصی و کیفری، صص ۵۹-۳۹. بازیابی از: http://jlap.srbiau.ac.ir/article_8161.html
- معیدفر، سعید. (۱۳۸۹). مسائل اجتماعی ایران-جامعه‌شناسی اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر. تهران: علم.
- میرحسینی، زهرا. (۱۳۹۵). پدیدارشناسی زمینه‌های ارتکاب جرم در زنان. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، شماره ۸، صص ۱۴۸-۱۱۳. بازیابی از: http://rjsw.atu.ac.ir/article_8658.html
- نصیری، معصومه. (۱۳۸۱). کجروی جنسی، زمینه و علل شکل‌گیری آن. رفاه اجتماعی، شماره ۲: صص ۲۳۷-۲۲۰. قابل بازیابی از: http://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=1831&sid=1&slc_lang=fa

منابع خارجی

- Alexander, M., Garda, L., Kanade, S., Jejeebhoy, S., & Ganatra, B. (2007). Correlates of premarital relationships among unmarried youth in Pune district, Maharashtra, India. *International Family Planning Perspectives*, 33, 150-159. Retrieved from: <https://www.jstor.org/stable/30039237?seq=1>
- Amato, P. R (2010). "Research on Divorce: Continuing Trends and New Developments". *Journal of Marriage and Family* 72, 650-666. Retrieved from https://www.researchgate.net/publication/249406254_Research_on_Divorce_Continuing_Trends_and_New_Developments
- Bleske-Rechek, A. L., & Buss, D. M. (2001). Opposite-sex friendship: Sex differences and similarities in initiation, selection, and dissolution. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27(10), 1310-1323. Retrieved from <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/01461672012710007>
- Brigitte Lhomond, Marie-Josèphe Saurel-Cubizolles (2013). "Violence against women and suicide risk: The neglected impact of same-sex sexual behavior". *Social Science & Medicine*, 62: PP 2002-2013. Retrieved from <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/16174545>
- Djidonou, A., Tognon, F., Marie, J., Iréti, N., Elie, A., Kpakatia, A, S., Kpadonou, E, F., Gandaho, P., Houngbé-Ezin, J. (2016). Epidemiological and Psychosocial Profile of Juvenile Delinquency: Case



- Study of Delinquent Children and Adolescents under Court Order in Benin. *Open Journal of Psychiatry*, (6), 135-142. Retrieved from https://www.researchgate.net/publication/295090876_Epidemiological_and_Psychosocial_Profile_of_Juvenile_Delinquency_Case_Study_of_Delinquent_Children_and_Adolescents_under_Court_Order_in_Benin_2015
- Esterberg, K. G. (2001). *Qualitative research methods and process* (2nd ed.). London, England: Open University Press.
 - Konstantinos Tsirigotis, Wojciech Gruszczyn' ski, Marta TsirigotisManiecka. (2015). "Gender Differentiation in Indirect SelfDestructiveness and Suicide Attempt Methods (Gender, IndirectSelf Destructiveness, and Suicide Attempts)", *Journal of Psychiatr Q*, 85:PP 197–209. Retrieved from <https://link.springer.com/article/10.1007/s11126-013-9283-1>
 - Maxwell, J. A. (2004). *Qualitative Research Design: An Interactive Approach* (2nd ed.). London, England: Sage Publications.
- Kato, Tsukasa (2019). Gender differences in response to infidelity types and rival attractiveness. *Journal of Sexual and Relationship Therapy*, 45, 1-18. Retrieved from <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/14681994.2019.1639657>
- Malik, Jagbir Singh & Anuradha Nadda (2019). A Cross-sectional Study of Gender-Based Violence against Men in the Rural Area of Haryana, India, *Indian Journal of Community Medine*, 44(1): 35–38. Retrieved from <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/30983711>